

انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-870 120 7768

۹۶

۱۷ اسفند ۱۳۸۰

۸ مارس ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

برنامه های تشکیلات
خارج کشور حزب
کمونیست کارگری ایران

به مناسبت ۸ مارس

صفحه ۳

انترناسیونال هفتگی
را تکثیر و پخش کنید

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465

Fax: 0044-870-135-1338

markazi@ukonline.co.uk

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر - ۷۵۲۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن روز اعتراض علیه ستمکشی زن



کوتاه کردن دست مذهب از زندگی خود درافتاده و جنگیده است.

حزب کمونیست کارگری ایران همه مردم مبارز و آزادیخواه را، همه زنان برابری طلب را، به مبارزه علیه جداسازی زن و مرد، و مبارزه علیه حجاب کشیف اسلامی فرا میخواند. بگذارید دنیا بداند که مردم ایران خود تکلیف طالبانهای حاکم بر ایران را با مبارزه خود یکسره خواهند کرد.

ایران تحت سلطه حکومت اسلامی، عرصه نبردی است و وسیع بر سر برابری حقوق زن و مرد و علیه زن ستیزی اسلامی.

۲۳ سال است که جنبش وسیع برابری طلبی، علیه این آپارتاید کامل جنسی، علیه حجاب اجباری، علیه حکومت مذهبی برای احقاق حقوق خود، برای آزادی، برابری، برای حرمت و شان انسانی، برای سکولاریسم و

مرگ بر حجاب اجباری - مرگ بر آپارتاید جنسی
زنده باد برابری زن و مرد

کشتار مردم
فلسطین باید
فورا متوقف شود
صفحه ۴



پ.ک.ک در انتهای
بحران هویتی و سیاسی

گفتگو با رحمان حسین زاده صفحه ۲

پلاتفرم حقوق زنان و کودکان محیط های اسلامی در جوامع غرب صفحه ۳



فاتح بهرامی

"وضعیت
فوق العاده"،
برگ سوخته
رژیم اسلامی!

اعلام وضعیت فوق العاده نیست، اما بحث در اینمورد و پیگو مگو بین دو جناح بر سر آن برقرار است.

بر سر اعلام وضعیت فوق العاده در دو جناح رژیم اختلاف نظرهایی وجود دارد. از نظر راست ها بهانه اعلام این وضعیت به "تهدید خارجی" و در واقع سخنان اخیر جرج بوش و حمله نظامی آمریکا مربوط

صفحه ۴

میگویند شورای عالی امنیت ملی قرار است "وضعیت فوق العاده" اعلام کند. خبر طرح این بحث در این شورا اخیرا توسط عناصری از جناح راست مانند عسکراولادی به بیرون درز کرده و البته مورد پشتیبانی او و دوستانش هم قرار گرفته است. اگرچه هنوز رسما از اعلام وضعیت اضطراری یا فوق العاده در ایران حرفی زده نشده و حتی دبیر شورای عالی امنیت ملی سه روز قبل گفته که فعلا نیازی به



آذر ماجدی

پاسخی
کوتاه
به یک
دنیا محبت

پاسخ به تک تک نامه ها برایم مقذور نیست و مطمئنم که شما دوستان عزیز این موقعیت را درک میکنید. فقط این را بگویم که این ابراز محبت بیکران شما تحمل این دوران پر از غم و رنج و هراس را آسانتر کرده است. امیدواریم که معالجات موثر واقع شود و آینده روزهای خوش تر، پرامیدتر و روشن تری را به ارمغان بیاورد. دستتان را بگرمی میفشارم آذر ماجدی

از آن زمانی که خبر بیماری همسر منصور حکمت (ژوبین) به اطلاع عموم رسید دوستان بیشماری از طریق نامه و پیام تلفنی نگرانی و تائرشان را از بیماری او ابراز کردند. در غم و هراس ما سهیم شدند. سیل نامه و پیام تلفنی من و خانواده ام را غرق عشق و محبت کرد. در این روزهای سخت و پر اضطراب این نامه ها و پیام ها دلگرم کننده و امید بخش بود. در این شرایط

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پ.ک.ک در انتهای بحران هویتی و سیاسی

گفتگو با رحمان حسین زاده درباره شکست و انحلال پ.ک.ک.

هفتگی: اخیرا شورای رهبری پ.ک.ک اعلام کرده که طرح انحلال این سازمان را برای تصویب به کنگره هشتم خواهد برد و از هم اکنون نیز فعالیت‌های پ.ک.ک. را در داخل و خارج ترکیه تعطیل اعلام کرده است. بنظر شما هدف از این تصمیم چیست و این موضوع بر زمینه چه تحولاتی در درون جامعه و در درون این سازمان اتفاق میافتد؟

رحمان حسین زاده: توجیه رسمی رهبری پ.ک.ک اینست که با این اقدام می‌خواهند با روند "دمکراتیزه شدن" در ترکیه و در منطقه و با روند سیاسی بعد از ۱۱ سپتامبر خود را منطبق کنند. در این راستا خود را تعبیر را به کار گرفته‌اند که جایگاه آنها از این بعد "نه در جبهه ترور بلکه در صف صلح و آشتی" است. این بیانات قبل از هر چیز اسم رمزی برای تمکین بدون قید و شرط به ترکیه و کسب رضایت نزد اتحادیه اروپا و آمریکا است. رهبری پ.ک.ک به زعم خود برای برون رفت از ناکامی و بن‌بست سیاسی، مدت‌هاست تغییر از یک سازمان سیاسی - نظامی غیر قانونی به سازمان قانونی در چارچوب قانون اساسی ترکیه را در پیش گرفته است. در مقابل، این دولت جنایتکار و شوونیست ترکیه است که این درجه از سازش و تسلیم رهبری پ.ک.ک را نمیپذیرد. بر تسلیم شدن فردی اعضای این سازمان و مجازات رهبری آن تاکید میکند و راه ادغام مجدد این پدیده را در جامعه ترکیه مسدود نموده است. اتفاقات مربوط به پ.ک.ک ناشی از شکست و ناکامی استراتژیک و سیاسی این جریان است که بر خلاف تصور رایج نه از زمان دستگیری رهبر آن عبدالله اوجلان بلکه از سالهای اول دهه نود شروع شد. این سازمان در تمایز با استراتژی سنتی و ناکام "اتونومی و خودمختاری" دیگر احزاب ملی در کردستان ایران و عراق در اواخر دهه هفتاد با استراتژی "استقلال کردستان بزرگ" تاسیس شد و در دهه هشتاد عروج نمود. وقایع بعد از جنگ خلیج در منطقه، پیوستن جنبش ناسیونالیستی در کردستان عراق به جبهه آمریکا و غرب و برچیده شدن حاکمیت رژیم بعث عراق، اثرات عمیقی در منطقه و بر نیروهای سیاسی به جای گذاشت که پ.ک.ک هم از آن مصون نماند. آنزمان از نظر پ.ک.ک بخشی از "کردستان بزرگ" مورد نظر آنها یعنی کردستان عراق به قول خودشان "کردستان جنوبی آزاد" شده بود و میتوانست به منطقه نفوذ و پایگاه آن برای

تحقق کل استراتژی و سیاست‌های آن تبدیل شود. این اتفاق نیفتاد. اولا استراتژی و سیاست‌های پ.ک.ک در پایین و در میان مردم کردستان عراق مقبولیت اجتماعی پیدا نکرد و دوما در بالا با مخالفت و تقابل دیگر احزاب ناسیونالیست کرد و دولتهای منطقه روبرو شد. سوم در شرایطی که جنبش ناسیونالیستی کرد تماما در کمپ آمریکا و غرب قرار داشت، جریان پ.ک.ک هنوز از نظر غرب "عصری" نامطلوب و تروریست محسوب میشد. و چهارم در دل این معادلات پیچیده، دولت ترکیه تعرضات نظامی خود را علیه این جریان گسترش داده و عرصه را بر آن تنگ نموده بود. مجموعه این عوامل استراتژی، سیاست و موجودیت پ.ک.ک را زیر فشار قرار داده بود. رهبری این جریان عبدالله اوجلان در اولین کنفرانس مطبوعاتی خود در سال ۹۲ در دمشق با اعلام آمادگی برای سازش و مذاکره با دولت ترکیه حول حل مسئله کرد در چارچوب جغرافیایی ترکیه و اعلام آتش بس یکجانبه با دولت، استراتژی و سیاست خود را تغییر و به نسخه نخب نمای دیگر احزاب ناسیونالیست کرد یعنی استراتژی "خودمختاری و مذاکره" انتظار بازگشت. صرفنظر از مانورهای دیپلماتیک معنای عملی این واقعه بیان یک تغییر چرخش استراتژیک و سیاسی و سراغاز بحران هویتی و سیاسی این سازمان در بطن معادلات و تناقضات پیچیده منطقه‌ای بود. با وجود تناسب قوایی که به شدت به ضرر پ.ک.ک بود دولت ترکیه هم به این فراخوان و دیگر فراخوانهای سازش پ.ک.ک واقعی نگذاشت. سیر اضمحلال و تناقضات سیاسی این جریان از آن مقطع شروع شد. در نتیجه سازش بین ترکیه و سوریه و قطع حمایت دولت سوریه از پ.ک.ک در سال ۹۸ بحران و بن‌بست این جریان به اوج خود رسید. عبدالله اوجلان راهی اروپا شد و کشورهای اروپایی بر اثر سیاست ضدانسانی خود از پذیرش او خودداری کردند و عاقبت در توطئه مشترک ترکیه و غرب رهبر پ.ک.ک دستگیر شد. گفتم دستگیری وی نه نقطه شروع بحران و شکست این جریان بلکه آغاز پایان پدیده "پ.ک.ک و اوجلان" بود. پایانی که کنگره هشتم این جریان سند رسمی آن را امضا میکند.

هفتگی: کنار گذاشتن مبارزه

مسلحانه، تغییر نام حزب، و تبدیل شدن به حزبی که مبارزه سیاسی میکند از نکات اصلی ای است که خودشان درباره آینده این جریان مطرح کرده اند. این تغییر و تحول در پ.ک.ک. چه تاثیری روی مبارزه مردم کردستان علیه دولت ترکیه دارد، و آینده این جریان به چه سمتی میرود؟

رحمان حسین زاده: آنچه ما شاهدش هستیم تغییر اسم سازمانی و یا تغییر روش تاکتیکی و فعالیتی نیست. این تبیین "آبرومندی" است که مدافعان جنبش ناسیونالیستی از واقعه به دست میدهند. در همان جامعه ترکیه برای مثال این مورد مشابهتی با تغییر نام "حزب رفاه اسلامی" به "حزب فضیلت" ندارد. آنچه رسماً دارد اتفاق می‌افتد پایان ۱۸ ساله سیاسی و سازمانی پدیدایست به نام پ.ک.ک. اینکه در آینده گروهها و محافل می‌خواهند این پدیده را احیاکنند که به نظر من بعید است، چیزی از این واقعیت نمی‌کاهد، که پروژه تاکنون شناخته شده پ.ک.ک تمام شده است. تشکیلات جدیدی هم که قرار است ایجاد شود، هنوز و تا این لحظه سرنوشت آن در ابهام است، بویژه که می‌خواهد یک "جبهه" و تشکل قانونی باشد که دولت ترکیه آن را به رسمیت بشناسد؟ چنین تشکیلی اگر کل رهبری و ماتریال تاکنونی پ.ک.ک را هم در برگیرد، دیگر ادامه پ.ک.ک نیست بلکه پدیده جدید دیگریست و لازمست در چارچوب جدید بررسی شود.

در مورد اثرات این واقعه بر روی مبارزه مردم علیه دولت ترکیه، لازمست ابتدا اشاره کنم در دو دهه اخیر به هر درجایی که مردم در کردستان ترکیه به سیاست‌های پ.ک.ک کسپاتی نشان داده و از آن حمایت نمودند یک ذره نشانه حقانیت سیاست‌های این جریان نیست، بلکه اساسا سرکوبگری، تبعیض و ستم ملی اعمال شده از جانب دولت شوونیست ترکیه و نبودن یک جریان رادیکال به عنوان ابزار مقاومت و مبارزه در مقابل دولت ترکیه، این مجال را برای پ.ک.ک فراهم نمود، که بخشی از مردم با اختیار و یا بالاچار به سمت این جریان گرایش پیداکنند. در واقع در مقابل شوونیسم و فاشیسم دولت ترکیه، ناسیونال فاشیسم کرد توسط پ.ک.ک نمایندگی شد. به این معنا مردم در این دو دهه در بین دو ارتجاع گیر کرده بودند. در غیاب یک جریان چپ و رادیکال که تاووم مبارزه مردم را تضمین کند، با شکست پ.ک.ک در حال حاضر تناسب قوا به نفع دولت ارتجاعی ترکیه تغییر کرده است و به

این ترتیب مردم را بیشتر تحت فشار قرار میدهد. اما فکر میکنم این تنها اثر آن نباشد بلکه با فروکش کردن گرد و غبار این واقعه و با شکستن دگمها و تعصبات شدید ناسیونالیستی که پ.ک.ک سر منشا آن بود، مردم کردستان بیش از پیش متوجه میشوند که با حذف پ.ک.ک یک مانع جدی سر راه رفع ستم و تبعیض ملی و سر راه آزادی و انسانیت در جامعه کردستان برچیده شده است. فکر میکنم با عروج راهل طبقه کارگر و کمونیسم مردم آزادیخواه بتوانند با سیاست آزادیخواهانه و رادیکال یا به عرصه بگذرانند و همگام با مبارزات آزادیخواهانه سراسری، با ارتجاع حاکم بر ترکیه در همه زمینها و از جمله پایان دادن به ستم ملی تصفیه حساب نمایند.

هفتگی: باتوجه به اینکه پ.ک.ک. یکی از احزاب بزرگ و اصلی جنبش ملی کرد است، انحلال آن چه تاثیری روی سایر احزاب این جنبش، بویژه اتحادیه میهنی، حزب دمکرات کردستان عراق و حزب دمکرات کردستان ایران، دارد؟

رحمان حسین زاده: در این سطح نیز موضوع از چند جنبه قابل بررسی است. شکی نیست جنبش ناسیونالیستی کرد ضربه جدی را متحمل شده است. در نتیجه این واقعه سردرگمی و بی‌افقی و درهم ریختگی صفوف آنها برجسته‌تر شده است. این وضعیت دامنگیر دیگر احزاب ناسیونالیست که اسم برده‌اند، شده است. سابقه و تجربه خود آنها پراز این نوع ناکامی و شکست‌هاست. وضعیت پ.ک.ک را به رخشان میکشند و بطور پایهای تحت فشار قرار میگیرند. اما در عین حال از یاد نباید برد که احزاب ناسیونالیست کرد برای کسب موقعیت برتر در جنبش ملی کرد مداوما در کشمکش و رقابت با هم بوده‌اند. بارها و بارها اشتراکات پایهای جنبش‌شان را فدای حیات روزمره و موقعیت عملی روز و تاکتیکی حزب خود نموده‌اند. با اتکا به دولتهای مرتجع منطقه در مقابل هم قرار گرفته‌اند، نمونه برجسته جنگ کشمکش دو حزب حاکم در کردستان عراق با هم و یا جنگ و کشمکش فیما بین این احزاب و پ.ک.ک بوده است. من فکر میکنم دو حزب حاکم در کردستان عراق و حزب دمکرات کردستان ایران به عنوان شکست یک نیروی رقیبشان از پایان گرفتن عمر پ.ک.ک ناخشنود نیستند. اضافه کنم این اولین بار نیست که جنبش ملی کرد به دست رهبران خود منحل و تسلیم میشود، در سال ۱۹۴۶ جمهوری مهاباد و حزب دمکرات کردستان ایران به رهبری قاضی محمد و در سال ۱۹۷۵ جنبش ناسیونالیستی و حزب دمکرات

کردستان عراق به رهبری ملامصطفی بارزانی و اکنون پ.ک.ک به رهبری اوجلان این سرنوشت را پیدا میکنند. آنچه در این میان باید تاکید شود این واقعه است که جنبش ملی کرد و احزاب مختلف آن در طول تاریخ خود ارتجاعی عمل کرده و مانعی در راه حل مسئله ملی و مبارزه آزادیخواهانه مردم بوده‌اند. این جنبش و این احزاب نه تنها ربطی با منافع مردم نداشته بلکه ضدیت آنها با منافع مردم زحمتکش و آزادی و ترقیخواهی، با پیشرفت و مدرنیسم، با اهداف و سیاست‌های انسانی، با برابری انسانها و حقوق زنان انکارناپذیر است. تاریخ آنها پر از شکست و ناکامی به قیمت تحمیل مصائب بر مردم کردستان بوده است. امروز بیش از هر زمان دیگری به حاشیه راندن و پایان دادن به نفوذ و حضور ناسیونالیسم و احزاب آن در صحنه سیاسی کردستان و گرد آمدن حول راه حل کمونیسم کارگری برای رفع ستم ملی و تبعیضات اجتماعی تضمین کننده راهی قطعی مردم در کردستان است.

هفتگی: به نظر شما رادحل قطعی مسئله کرد چیست؟

رحمان حسین زاده: در این رابطه لازمست به چند نکته اشاره کنم. * مسئله ملی در کردستان یکی از مسائل گرهی در منطقه و در خاورمیانه است و لازمست به طور قطع به آن پایان داده شود. یک انقلاب پیروزمند کارگری و ایجاد جمهوری سوسیالیستی در هر یک از کشورهای ایران، عراق، ترکیه و سرگون کردن رژیمهای بورژوازی و ستمگر کنونی رادحل قطعی و سراسر برچیدن ستم ملی و دیگر ستمها و تبعیضات در همه شئون اجتماعی در این کشورهاست. اما در غیاب چنین آلترناتیوی هنوز میتوان به رادحل انسانی و مدرن و ممکن دیگر برای رفع ستم ملی و حل مسئله ملی فکر کرد که پایین‌تر به آن اشاره میکنم.

* این درست که مردم بخشهای مختلف کردستان تحت فشار و ستم ملی هستند اما بر خلاف "آرزوهای قلبی" ناسیونالیستها ارائه یک رادحل مشترک، که همزمان به ستم کشمکش ملی در بخشهای مختلف کردستان پایان دهد، بیشتر به توهم نزدیک است تا واقعیت. دلایل روشن است، بر خلاف تعصبات ناسیونالیستی و هویت تراشی کردی این واقعیت که موقعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و حتی فرهنگی متفاوتی بر بخشهای مختلف کردستان حکم میرانند، به شدت ارائه یک رادحل مشترک و همزمان را غیر ممکن نموده است. رادحل ما برای حل مسئله ملی در کردستان شامل صفات مشترکی برای هر بخش

پلاتفرم حقوق زنان و کودکان محیط های اسلامی در جوامع غرب

همراه با حاکمیت سیاست های شدیداً دست راستی نسبت به فرهنگی در کشورهای غربی و عروج اسلام سیاسی در خاور میانه و شمال آفریقا در دو دهه اخیر، زنان و کودکان محیط های اسلامی در جوامع غرب قربانی تبعیض و بی حقوقی آشکار و سیستماتیک شدند. جهانشمولی حقوق انسانها علناً نقض شد و حقوق اولیه، شناخته شده و پذیرفته شده در غرب، که به یمن دهها سال مبارزه مردم پیشرو و سوسیالیست و سکولار بدست آمده بود، در مورد زنان و کودکان خانواده های اسلامی عملاً و رسماً کنار گذاشته شد. مدارس اسلامی و کلاسهای آموزش قرآن به کمک سوسیالدهای دولتهای غرب و کمک دولت های اسلامی مثل قارچ سبز شدند و هزاران کودک در کشورهای مختلف اروپا به این مدارس فرستاده شدند تا شستشوی مغزی شوند. ازدواج کودکان در قلب اروپا در انطباق با شریعت اسلام آزاد اعلام شد و دختران زیر سن قانونی به ازدواج اجباری درآورده شدند. حجاب، سمبل آپارتاید جنسی و تحقیر و بی حقوقی زن، به دختر بچه ها تحمیل شد، و در عوض شنا و رقص و موسیقی و آموزش جنسی بر آنها حرام گردید. ختنه پسر بچه ها آزاد شد. خشونت علیه زنان و دختران و قتل های ناموسی رو به ازدیاد گذاشت و دادگاههای کشورهای غربی، با استناد به مجاز بودن قتل ناموسی در اسلام دلایل مخفیه برای ضاربین و قاتلین وضع کردند. و همه اینها با تئوری راسیستی نسبت به فرهنگی و "فرهنگ خودشان است" توسط سیاستمداران و آکادمیست ها و رسانه ها توجیه گردید. این دودهه برآستی دوره عقبگرد بشریت بود.

اما این تبعیضات و بی حقوقی ها با هرتوجیهی صورت گیرد رسماً راسیستی است و باید به آنها پایان داده شود. برای بشریت عمیقاً شرم آور است که در قلب اروپا، قوانین عصر حجری زندگی بخشی از زنان و کودکان را سیاه کند و حداقل آزادیهای تشبیه شده در این جوامع از آنان دریغ شود. حزب کمونیست کارگری ایران پلاتفرم زیر را که متضمن اساسی ترین خواسته های ما برای رفع تبعیضات فوق و در جهت جهانشمولی حقوق مدنی مردم است اعلام میکند و همه آزادیخواهان، سوسیالیست ها، مدافعین حقوق کودک، مدافعین حقوق زن، طرفداران برابری و رفع تبعیض و مخالفان راسیسم را فرامیخواند از این پلاتفرم پشتیبانی کنند و دولتهای اروپا را برای پذیرش فوری این مطالبات تحت فشار قرار دهند:

- ۱- ممنوعیت فوری مدارس مذهبی و آموزش و پرورش مذهبی برای کودکان. جلب کودکان به فرقه های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی باید جرم جنائی محسوب شود.
- ۲- تحمیل حجاب به کودک تجاوز به حقوق کودک و یک اجبار مذهبی است و باید فوراً ممنوع شود.
- ۳- ممنوعیت فوری ختنه کودکان
- ۴- متوقف کردن هرگونه سوسید و کمک دولتی به موسسات، نهادها و سازمانهای مذهبی
- ۵- ممنوعیت هرگونه تخفیف و با هرتوجیهی در مجازات کسانی که به اذیت و آزار و قتل زنان دست میزنند، برقراری اشد مجازات برای جرائم ناشی از تعصبات مذهبی، قومی و مردسالارانه
- ۶- متوقف کردن سیاست گنوسازی
- ۷- ایجاد موسسات ویژه حمایت از کودکان خانواده های اسلامی
- ۸- ایجاد موسسات ویژه حمایت از زنانی که در معرض تهدید همسران، همسران سابق و افراد ذکور فامیل قرار میگیرند
- ۹- دادن فوری پناهندگی به زنان و دخترانی که از کشورهای اسلامزده فرار میکنند
- ۱۰- حمایت مادی و معنوی از سازمانها و کمپین های برابری طلب و سکولار

حزب کمونیست کارگری - مارس ۲۰۰۲

برنامه های تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران به مناسبت ۸ مارس

روز ۸ مارس روز جهانی زن را به نمایش اعتراض شدید و گسترده خود علیه آپارتاید جنسی، علیه حجاب اجباری، و به روز عزم خود برای برپایی یک جامعه آزاد و برابر تبدیل کنیم.

هلند، لاهه جمعه میتینگ اعتراضی ساعت ۲ بعدازظهر مقابل پارلمان

فنلاند
هلسینکی: شنبه ۹ مارس ساعت ۲ بعدازظهر تظاهرات از بازار مرکزی استکمان به سوی سفارت جمهوری اسلامی، سخنران شهلا دانشفر

دانمارک
کپنهاگ: جمعه ۸ مارس تظاهرات ساعت ۵ بعدازظهر سخنران ناهید ریاضی AxeLtory

سوئیس
زوریخ جمعه ۲۲ مارس سخنران مینا احدی
بازل شنبه ۲۳ مارس سخنران مینا احدی
برن یکشنبه ۲۴ مارس سخنران مینا احدی

نروژ
اسلو شنبه ۹ مارس مراسم ساعت ۶ بعدازظهر
Herslebs Skole

آمریکا، لس آنجلس:
یکشنبه ۱۰ مارس، ۱۱ صبح تا ۴ بعدازظهر، پارک بلوآ واقع در شهر انسینو
نمایشگاه عکس و گفتگو در مورد مبارزات و مسائل زنان

همچنین تعدادی از کادرهای حزب به دعوت نهادها و سازمانهای مدافع حقوق زن در کشورهای مختلف سخنرانی خواهند داشت.

ملی است. بنا به همان شرایط متفاوتی که در بخشهای مختلف کردستان وجود دارد و علیرغم پایهها و نقطه عزیمت مشترک جریان ما برای حل مسئله ملی، برای مثال حزب کمونیست کارگری عراق در چنین فرآیندی خواستار فوری استقلال کردستان عراق است. اما درایران اوضاع متفاوت است و حزب کمونیست کارگری ایران در چنین فرآیند احتمالی برای کردستان ایران و در موقعیت فعلی مانند در چارچوب ایران با حقوق شهروندی برابر را توصیه میکند. در هر حال از نظر ما رای مردم کردستان در فرآیند هرچه باشد، له یا علیه سیاست ما، از نظر ما معتبر و مشروع و لازم الاجراست. ■

سوئد
استکهلم: جمعه ۸ مارس ساعت ۱۵ تظاهرات در مرکز شهر Södermalmstorget, Slussen
جمعه ۸ مارس مراسم ساعت ۱۹ سخنرانان مهین علیپور و سارا محمد KISATRÄFF
یوتبری: جمعه ۸ مارس ساعت ۵ تظاهرات در مرکز شهر Gustav Adolfstorget
جمعه ۸ مارس مراسم ساعت ۸ بعدازظهر سخنرانان پروین کابلی و بکر احمد Wiselgränsplatsen
بودن: جمعه ۸ مارس مراسم ساعت ۱۸ سخنرانان خلیل کیوان و هاله رافع Snelhuset Erikslundsgatan

آلمان
کلن: جمعه ۸ مارس مراسم ساعت ۶ بعداز ظهر سخنران آذر مدرسی Bürgerhaus Klak
شبه ۹ مارس تظاهرات ساعت ۱ بعد از ظهر Mediapark

انگلستان، لندن: جمعه ۸ مارس میتینگ اعتراضی مقابل بانک ملی سخنران مریم نمازی

کانادا
تورنتو: شنبه ۹ مارس مراسم دانشگاه تورنتو سخنران ثریا شهابی
ونکوور: شنبه ۱۷ مارس مراسم ساعت ۵ بعدازظهر سخنران اعظم کم گویان 600 West Queens

→ کردستان هست، اما به طور کنکرتتر و عملی هر بخش کردستان رادحل مشخص خود را میطلبد.
* همین جا تاکید کنم که ما پلاتفرمهای خودمختاری و فدرالیسم و اتونومی را که توسط احزاب ناسیونالیست مطرح میشوند، نسخرای برای نهادینه کردن ستم ملی و کشمکشهای ملی و قانونی کردن دسته بندی انسانها بر اساس "ملت" درجه یک و درجه دو میدانیم. این روشها نه تنها مسئله ملی و ستم ملی را حل نمیکند، مهمات یک جنگ و کشتار و پاکسازی قومی و برپایی یک سناریوی سیاه در کشور هستند، این طرحها ارتجاعی و به شدت مضر به حال

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱

"وضعیت فوق العاده"

است. حرفشان اینست که اگر از وضعیت فوق العاده صحبت میشود بخاطر آماده بودن در برابر تهاجم نظامی است و تاکید هم میکنند که تصمیم گیری در این مورد در اختیار خامنه ای و شورای عالی امنیت ملی است. در مقابل، برخی دو خردادیهها عموماً میگویند که کشور در شرایطی نیست که وضعیت اضطراری اعلام شود و از اینرو طرح بحث شرایط اضطراری را برای اعمال محدودیت بیشتر بر دو خردادیهها و نهادهای آن میدانند. از این هم دلخوردند که چرا آنها را آدم حساب نکرده اند و بحث به مجلس نرفته است. تا آنجا که بعضی از نمایندگان مجلس اعلام نظر کرده اند فعلاً مساله جدی آنها این است که اعلام وضعیت فوق العاده بدون هماهنگی با مجلس ممکن نیست و یا اینکه باید مراحل قانونی را طی کند که از جمله این مراحل تصویب مجلس است.

اگر راست ها طرفدار اعلام وضعیت فوق العاده هستند، دو خردادیهها طرفدار طرح "وفاق ملی" اند. بعد از زمزمه اعلام وضعیت اضطراری، دفتر سخنگوی دولت روز سه شنبه اعلام کرده که کمیسیون سیاسی دولت مسئول تدوین "طرح وفاق ملی" و ارائه آن به کابینه است. ضرورت بحث وفاق ملی برای دو خردادیهها نیز تا حدی مشابه راستها است، یعنی شرایط ویژه ای که امروز جامعه ایران در آن قرار دارد، میگویند "حفظ امنیت ملی" و آمادگی در مقابل "تهدید خارجی". بر این نکته هم تاکید دارند که محور طرح وفاق ملی باید قانون و قانون اساسی باشد. اما یک نکته که در استدالات همه آنهاست که درباره وفاق ملی صحبت میکنند مهم در نظر گرفته میشود، اینست که برای ایجاد وفاق ملی باید مبنا را حداقل ها و اشتراکات در نظر گرفت و نباید هر گروهی بدنایال مطالبات حداکثر خود باشد، بلکه هر طرف باید از بخشی از مسائل خود کوتاه بیاید. در واقع دارند خطاب به جناح راست میگویند که برای رویارویی با

اتفاقات آتی در جامعه ایران، که اساساً مربوط به حرکت اعتراضی توده مردم است، فقط به خودتان اتکا نکنید، ما هم هستیم و مبنا را بر توافقاتمان برای حفظ نظام بگذاریم، به نفع همه مان است. اما نه وضعیت فوق العاده و نه بحث وفاق ملی اساساً به حمله آمریکا ارتباط ندارند. قبلاً هم گفته بودیم که آمریکا قصد حمله نظامی به ایران ندارد. هر دو جناح اینرا میدانند. منتها عمدتاً این جناح راست بود که سعی کرد این موضوع را جدی جلوه دهد که از آن استفاده خود را بکند. امروز علیرغم حتی تغییر لحن آمریکا و معلوم شدن اینکه حمله ای در کار نیست، اما عبارت "کاری نکنیم که بهانه بدست دشمن بیفتد" مرتباً حتی توسط عناصر جریان مولفانه اسلامی نیز تکرار میشود. زیرا اوضاع داخلی بگونه ای نیست که رژیم ریسک وارد شدن در یک جنگ را بکند. سعی میکنند بهانه بدست کسی ندهند که به او حمله کنند، در همین مدت هم اقدامات زیادی در این باره انجام داده است. اما وقتی که حمله نظامی ای در کار نیست، اعلام وضعیت فوق العاده یا اجرای طرحهایی برای ایجاد وفاق ملی از سر ضرورت کسب آمادگی برای مقابله با تهدید دشمن خارجی و حمله نظامی آمریکا نیست. مساله صاف و ساده مربوط به این است که میخواهند از وضعیت پیش آمده استفاده کنند که خود را برای مقابله با جنبش سرنگونی آماده کنند. اعلام وضعیت فوق العاده از نظر جمهوری اسلامی قصدش صرفاً ارباب مردم و سد کردن جنبش آنهاست. طرح وفاق ملی هم اتفاقاً همین مهار کردن حرکت مردم را مد نظر دارد، منتها با همکاری هر دو جناح و بقول خودشان بوسیله اجرای قانون. ضرورت این طرح هم از همانجائی سرچشمه گرفته که وضعیت فوق العاده. زیرا دو خردادیهها هم دیگر فهمیده اند که نقششان برای کنترل اعتراضات مردم و جنبش سرنگونی رژیم اسلامی بی خاصیت شده و باید برای مقابله با این جنبش کار دیگری بکنند. دوم خرداد اگر در تصمیم گیری درباره اعلام وضعیت فوق العاده بازی داده شود، با آن مخالفت هم نمیکند.

اما مشکل اینجاست که اعلام وضعیت فوق العاده یک برگ سوخته است. اگر اعلام وضعیت فوق العاده بشود، معنی اش این خواهد بود که مثلاً کارگران و معلمین دیگر حق ندارند که تظاهرات کنند و جلو مجلس جمع شوند که حقوقشان را مطالبه کنند و گرنه حزب الله و نیروی انتظامی به آنها حمله میکنند. فضای بگیر و ببند و ارباب بیشتر میشود و غیره. اما بخش عمده حیات ننگین و کثیف این رژیم همین بوده است. در واقع بخش زیادی از این بیست و سه سال وضعیت فوق العاده بوده است. از خرداد ۶۰ باینطرف تا سر کار آمدن خاتمی در جامعه ایران هر روز کشتار و زندان و شکنجه و اسید پاشیدن بروی زنان و اعمال وحشیانه ترین رفتار عوامل حکومتی به مردم جامعه قاعده بوده است. بعد از دو خرداد ۷۶ هم همین بوده است. آیا قتلهای زنجیره ای، قتلهای زنان تن فروش، حمله به کوی دانشگاه و ماجراهای ۱۸ تیر، اعدامها و شلاق زنی های در ملا عام، سنگسارها، تیراندازی و حمله به تظاهرات آرام کارگران در اصفهان که برای حقوق معوقه شان به خیابان آمده بودند، سرکوب تظاهراتهای هر روزه مردم در شهرهای مختلف و خلاصه دهها و صدها حرکت شنیع و ضد انسانی این رژیم در همین مدتی که "اصلاح طلبان" هم در حکومت شریک بوده اند و دو سال مجلس و پنجسال دولت را در دست داشته اند جزو وضعیت فوق العاده نیست؟ چرا. این رژیم یک روز را بدون سرکوب و جنایت و توحش به شب نرسانده است. بنابراین وضعیت فوق العاده نه برای مردم جدید است و نه دیگر از آن میترسند. در همین چند ماه پیش موج اعدامها و شلاق زندنها یک وضعیت فوق العاده ای بود که قرار بود مردم را مرعوب کند، اما نکرد. اتفاقاً بگیر و ببند و بکش مستقیم رژیم جمهوری اسلامی داشت به ضد خود تبدیل میشد که باعث آمدن جریان دو خرداد شد، بنابراین این سیاست که قرار است در جریان "وضعیت فوق العاده" به اجرا در آید از قبل محتمل به شکست است و قبلاً شکست خورده بود که خاتمی

کشتار مردم فلسطین باید فوراً متوقف شود اشغال فلسطین باید خاتمه یابد

دور جدید جنگ دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین ابعاد جدیدی از جنایات را به نمایش گذاشته است. سیاست در اسرائیل رسماً توسط راست ترین جناح و فاشیست ترین سیاستمداران قبضه شده است. جناح صلح خواه ناتوان از تعیین تکلیف با ایدهها و سیاستهای راسیستی میدان را عملاً برای جناح راست باز گذاشته است. قربانی سیاست فاشیستی به تسلیم کشاندن مردم فلسطین، که توسط شارون اعلام شده، تنها مردم فلسطین نیستند. فاشیسم از جانب اسرائیل، همراه با حمایت آمریکا، قابله فاشیسم اسلامی و عامل باز تولید کننده آن در فلسطین و کل منطقه است که به نوبه خود مردم بیگناه در اسرائیل و در سراسر خاورمیانه

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ اسفند ۱۳۸۰

اصغر کریمی 0044-771 4097928

آذر مدرسی دبیر تشکیلات خارج 00447815902237

رحمان حسین زاده-دبیر کمیته کردستان حزب:

0046-739 855 837

اسد گلچینی - دبیر تشکیلات کل کشور

0044 7940 416 768

شهلا دانشفر: دبیر مرکزی حزب 00447950517465

بهرام مدرسی-دبیر کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست:

0049174 944 0201

بنظر میرسد رژیم فعلاً قصدش این است که فقط با طرح آن عمدتاً فضای اعتراضی جامعه را آرامتر کند. موقعیت بحرانی رژیم و نفرت اکثریت مردم از این حکومت امکان خیلی بالائی برای به شکست کشاندن این سیاست دارد. اتخاذ این سیاست معنی اش این است که رژیم دیگر برای مقابله با جنبش سرنگونی به برگ آخرش، و البته سوخته، روی میآورد که از سر ناچاری است، معنی اش اینست که پذیرفته که راه خروج و فرار ندارد، باید امانش نداد. ■

آمد. بمیدان آمدن مردم آنرا شکست داده بود. جریان دو خرداد چند سال برای رژیم عمر خرید اما خیلی قبلتر از امروز ماموریتش تمام شده و بی خاصیت شده و امروز دارند به روی آوردن به سیاست قدیمی فکر میکنند. وضع طوری است که اعلام وضعیت فوق العاده برای رژیم کار ساده ای نیست، اما اگر مجبور شوند پای آن بروند آنرا به بهانه حمله آمریکا مطرح میکنند که در پوشش آن میخواهند جو پلیسی و نظامی و ارباب را برقرار کنند.

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.wpiran.org

www.wpibriefing.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.childrenfirstinternational.org

www.jawanan.org

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kwpiran.org

Bank Account:

Z.I. Konto:

520 5164 008

BLZ: 10090000

Beliner Volksbank

Germany

Website:

www.haftegi.com

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England